

تأثیر نوسان بهای نفت بر مناسبات دولت و جامعه

ناصر فرشاد گهر*

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علوم اقتصادی

علی لطیفی

کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد زنجان

(تاریخ دریافت: ۹۰/۱۱/۱۷ - تاریخ تصویب: ۹۱/۳/۲۸)

چکیده:

نوسان بهای نفت در دوره ریاست جمهوری آقایان سید محمد خاتمی و محمود احمدی نژاد، آثار و تبعات بسیاری در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داشته است. پایین بودن بهای نفت در دوره اول ریاست جمهوری آقای خاتمی، باعث نوعی خردگرایی در تصمیمات دولت شد و نتایجی همچون ایجاد حساب ذخیره ارزی، شتاب در برنامه خصوصی سازی را به همراه داشت. اما متأسفانه در مرحله دوم ریاست جمهوری آقای خاتمی با افزایش بهای نفت، شاهد تغییر در سیاست‌ها و بازگشت به رویه دولت رانتیر بودیم و به نوعی می توان حتی شکست اصلاح طلبان را در سال ۸۴ با این موضوع مرتبط دانست. این رویه در مرحله اول ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد با افزایش بهای نفت ادامه یافت و به اتخاذ سیاست‌های توزیعی و حمایتی انجامید که با توجه به اوضاع بین‌المللی، این سیاست‌ها خود را در قالب تورم، ناراضی‌ها و... نمایان ساخت. در مرحله دوم ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد، کاهش بهای نفت همانند مرحله اول ریاست جمهوری آقای خاتمی نوعی خردگرایی را به تصمیمات دولت تحمیل نمود و ثمره آن طرح تحول اقتصادی، هدفمندسازی یارانه‌ها و... بود. به طور کلی به گمان این پژوهش، سیاست‌ها و آثار کلی معطوف به اقتصاد، سیاست و اجتماع طی این دوران (۱۳۷۶ - ۱۳۹۲ ش) تا حدود بسیار زیادی متأثر و همسو با نوسان قیمت نفت بوده و نتایج آن در قالب تورم، افزایش حجم نقدینگی، حساب ذخیره ارزی، سهمیه بندی، طرح تحول اقتصادی، هدفمندی یارانه‌ها و... قابل مشاهده است.

واژگان کلیدی:

ایران، رانت، ساختار قدرت، نفت، نوسان

مقدمه

بیشتر اندیشمندان اقتصاد سیاسی اجماع نظر دارند که فرایند توسعه یافتگی سیاسی و اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت، تحت تأثیر درآمدهای نفتی و به عبارتی اقتصاد نفتی این کشورها است. تأثیرپذیری حیات سیاسی و اقتصادی از نفت در چند دهه اخیر نمودهای متفاوتی داشته است. برخی از ویژگی‌های صنعت نفت از قبیل وابستگی به فراز و نشیب تقاضا و مصرف در بیرون از مرزهای ملی، وابستگی صنعت نفت به تکنولوژی پیچیده کشورهای صنعتی و شرکت‌های چند ملیتی، وابستگی به سرمایه‌گذاری کلان برای اکتشاف و استخراج و کنترل قیمت نفت به وسیله نیروهای بین‌المللی، گستره و عمق تأثیرگذاری این ماده را بر سرنوشت ملی بیشتر کرده است.

از همین رو، دانیل یرگین یادآوری می‌کند که نفت یک رکن اساسی در قدرت ملی، یک عامل عمده در اقتصاد جهانی، یک کانون حیاتی در جنگ و یک نیروی قطعی در رویدادهای بین‌المللی است (Yergin, 1991: 733).

به این ترتیب، می‌توان گفت وابستگی کشورهای صادرکننده نفت به درآمدهای نفتی در عرصه اقتصادی بین‌المللی یک روی مسئله است و روی دیگر آن، تأثیری است که نفت در عرصه داخلی بر حیات اجتماعی و اقتصادی دارد. متأسفانه باید اذعان نمود که اگر نفت را از عرصه اقتصاد ملی حذف نماییم، تمام ارکان حیات اقتصادی و اجتماعی و حتی سیاسی کشورهای صادرکننده نفت شدیداً تحت‌الشعاع آن قرار می‌گیرد. تزریق سرمایه به بخش صنعت، واردات کالاهای اساسی، تأمین و دستیابی به تکنولوژی جدید صنعتی و نظامی و تأمین انرژی داخل، وابسته به درآمدهای نفتی است. به بیانی صریح‌تر، امنیت اقتصادی، اجتماعی و حتی از دیدگاهی فراتر، ثبات سیاسی کشورهای یادشده تحت تأثیر درآمدهای نفتی و به عبارتی اقتصاد نفتی است.

با توجه به مقدمه، بررسی تأثیر نوسانات بهای نفت در این کشورها از اهمیت خاصی برخوردار است. لذا در این نوشتار سعی می‌شود این تأثیرگذاری (به‌ویژه بر ساختار اجتماعی) به روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از داده‌های مورد نیاز به شیوه کتابخانه‌ای و با استفاده از کتاب‌ها، مجله‌ها، اسناد و اینترنت بر دولت‌های آقایان خاتمی و احمدی نژاد بررسی شود و به این پرسش پاسخ دهد که آیا نوسانات بهای نفت باعث اتخاذ سیاست‌های متفاوت سلیقه‌ای و همراه با گرایش‌های کوتاه‌مدت در بین مسئولان و مردم شده است؟ بنابراین فرض ما این خواهد بود که نوسان قیمت نفت باعث اتخاذ سیاست‌های متفاوت و در اغلب موارد کوتاه‌مدت برای برون‌رفت از وضع موجود خواهد شد.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های این پژوهش شامل دو بخش عمده، مصرف‌گرایی و حمایت‌ها است که به تأثیر نوسانات بهای نفت در دو بخش می‌پردازد؛ بخش نخست متکی بر رویه مصرف در بین مردم و یارانه‌هاست، و بخش دوم به تاریخچه پرداخت یارانه‌ها، دولت و رفاه عمومی، شفاف‌سازی و تغییر ارزش‌ها می‌پردازد و نیز با تجزیه و تحلیل مطالب و نتیجه‌گیری پایان می‌یابد.

ادبیات و مباحث نظری تحقیق

نوسان قیمت

نوسان به معنای جنبیدن و تکان خوردن چیزی در جای خود، مانند تکان خوردن آویز ساعت (عمید، ۱۳۴۲، ص ۱۰۵۰) تعریف شده است، اما منظور ما در این نوشتار از نوسان قیمت به معنی بالا یا پایین رفتن قیمت یک کالا یا محصول در یک دوره زمانی معین است.

بها (قیمت)

فرهنگ انگلیسی آکسفورد در برابر واژه price یا قیمت چنین آورده است: مقدار پولی که بابت فروش یا خرید چیزی دریافت یا پرداخت می‌شود (Oxford, Advanced Learner's Dictionary of Current English, 1998, 660). دکتر محمد معین در فرهنگ کامل فارسی معین کلمه بها را با کلماتی همچون ارزش، نرخ، ارز، قیمت (معین، ۱۳۸۶، ص ۱۸۷) مترادف دانسته است. همچنین در کتاب فرهنگ‌نامه فارسی واژگان و اعلام به قلم آقای افشار، قیمت بیانگر پول یا کالایی است که برای به دست آوردن چیزی باید پرداخت شود. ارزش: قیمت (بهای این کتاب چند است) (صدری افشار، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۵۶۹).

نفت

در فرهنگ کامل انگلیسی به فارسی دکتر عباس آریانپور کاشانی کلمه oil به کلماتی همچون روغن، چربی، مرهم، روغن مقدس^۱، نفت، مواد نفتی و... ترجمه شده است (آریانپور کاشانی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۳۵۳۲). در قسمت تعاریف مفاهیم سالنامه آماری کشور، نفت خام آمیزه‌ای پیچیده از ترکیبات هیدروکربوری تعریف شده است که از مخازن طبیعی نفت در زیرزمین در بعضی از نقاط دنیا استخراج می‌شود (سالنامه آماری کشور، ۱۳۷۶، ص ۲۱۴).

ساختار قدرت

ساخت، ساختار

این واژه برای مشخص نمودن طرز به هم پیوستگی یک مجموعه و ناهمگنی آن با سایر مجموعه‌هاست. به عبارت دیگر، ساخت یا ساختار، بیانگر نظم و نسق مجموعه‌ای از اشیا، اجزا

۱. مخصوص تدهین.

و نیروهایی است که به نحوی کنار هم قرار گرفته‌اند که کلیتی خاص را تشکیل می‌دهند (آقابخشی و مینو افشاری راد، ۱۳۸۳، ۶۶۲). البته کنت والتز در تعریف خود از ساختار به مجموعه‌ای از شرایط محدودکننده نیز اشاره می‌کند (Waltz, 1979, 62).

ساختار اقتصادی

سیستم تولید، مناسبات و روابط درونی که بین اجزای یک مجموعه اقتصادی مثل خانوار، بخش اقتصادی، ملت و مجموعه‌های فراملی یا بین‌المللی برقرار است (آقابخشی و مینو افشاری راد، پیشین، ۲۰۷).

ساختار اجتماعی

شکل مشخص همبستگی انسان‌ها در هر جامعه یا مجموعه‌ای متشکل از پدیده‌های همبسته اجتماعی است؛ به‌شيوه‌ای که هریک وابسته به دیگری باشد و نتواند آنچه هست باشد، جز در ارتباط با سایر پدیده‌ها (همان، ص ۶۴۲).

رانت

اضافه عایدی، بهره مالکانه، رانت

معنی لغوی کلمه رانت مساوی است با کرایه و اجاره گرفتن از چیزی و از واژگان رایج در ادبیات اقتصادی است (طاهری، ۱۳۸۵، ص ۱۰۷) که دارای تعاریف متعدد در کتاب‌های مختلف سیاسی و اقتصادی است که در این بخش به کتاب فرهنگ علوم سیاسی علی‌اکبر آقابخشی اشاره می‌کنیم که رانت را این‌گونه تعریف کرده است:

هر نوع اضافه عایدی یا درآمد ناشی از موقعیت‌های مساعد برای فروشنده (انحصار فروش) یا خریدار (انحصار خرید) در بازار کالا و خدمات و یا سرمایه‌گذاری غیرتولیدی؛ درآمد یا دریافت‌های حاصل از فعالیت‌های غیرمولد؛ سود یا درآمد بادآورده و در اصطلاح عامیانه، پول کارنکرده؛ منابع، امکانات و امتیازاتی که از راه‌های اقتصادی نامتعارف به‌دست آمده باشد.

بخش اول. مصرف‌گرایی

وجود درآمدهای نفتی و روند تغییر ارزش‌ها در برهه زمانی بعد از سال ۶۸ش، باعث شده تا شاهد جامعه‌ای باشیم که علاقه خاصی به مصرف داشته باشد و به هر میزان که منابع در اختیار آن قرار می‌گیرد علاقه‌مندی به مصرف در آن تشدید می‌گردد. روندی که ما را در زمره کشورهای پرمصرف جهان قرار داده، اما متأسفانه باوجود مصرف فراوان انرژی، میزان بهره‌وری آن در کشور در مقایسه با کشورهای جهان پایین است.

یکی از مشکلات اساسی در کشور ما، وابستگی به درآمدهای پرنوسان نفت برای تأمین مخارج اجتماعی است که بالطبع با بروز نوسان، آثار آن را می‌توان به‌روشنی در تمامی سطوح مشاهده نمود. یکی از این سطوح، جامعه و کنش متقابل آن به پیامدهای نوسان و سیاست‌های اتخاذ شده دولت است که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود.

۱. نفت و مصرف‌گرایی

به‌طور کلی هدف از سیاست پرداخت یارانه انرژی، دستیابی به سه هدف کلی است: کمک به افشار ضعیف و کم‌درآمد؛ افزایش رقابت‌پذیری اقتصاد؛ کنترل تورم. در ایران با توجه به وجود اختلاف فراوان قیمت‌های اسمی و واقعی فرآورده‌های نفتی، سیاست افزایش حامل‌های انرژی دنبال می‌گردد. با وجود این به دلیل رشد سریع‌تر نرخ تورم نسبت به قیمت فرآورده‌های نفتی، این فاصله بیشتر شده و این سیاست تأثیرگذاری بالقوه خود را از دست داده است (عباسی‌نژاد، ۱۳۸۵، ص ۵).

طی چند دهه اخیر، به دلیل ارزان‌بودن انرژی و دسترسی نداشتن به فناوری‌های روز، اغلب تولیدکنندگان و مردم به مصرف بیشتر روی آورده‌اند؛ به‌طوری‌که بر طبق آمارهای جهانی، شدت مصرف انرژی اولیه ایران در سال ۲۰۰۸م حدود ۳ برابر متوسط شدت مصرف اولیه جهانی^۱ است و این بدین معنی است که میزان مصرف انرژی به ازای یک واحد تولید در ایران در مقایسه با سایر کشورها، حتی کشورهای منطقه (ترکیه، عربستان و...)، و نیز رقم متوسط جهانی آن، بسیار بالاست.

مصرف انرژی در بخش‌های مختلف اجتماعی _ اقتصادی نشانه آن است که بخش عمده‌ای از مصرف انرژی در بخش‌های غیرمولد^۲ نظیر بخش خانگی (حدود ۲۸.۱ درصد کل مصرف انرژی نهایی) مصرف می‌شود؛ به عبارت دیگر ارزش افزوده‌ای به ازای مصرف انرژی برای کشور حاصل نمی‌کند. این بخش به عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی، نسبت به سال قبل (۱۳۸۶) با کاهش ۲/۳ درصدی روبرو بوده است. مصرف در سایر بخش‌ها مانند صنایع، کشاورزی و نیروگاه‌ها نیز به علت قدمت سیستم‌های مصرف‌کننده انرژی، اعمال نشدن مدیریت مصرف و قیمت پایین انرژی، موجب مصرف‌گرایی بیشتر و تولید بدون تناسب با مصرف انرژی گردیده است و نیز مصرف بخش حمل و نقل نسبت به سال قبل (۱۳۸۶) به علت افزایش ناوگان باوجود سهمیه‌بندی، ۵/۹۳ درصد افزایش را نشان می‌دهد.

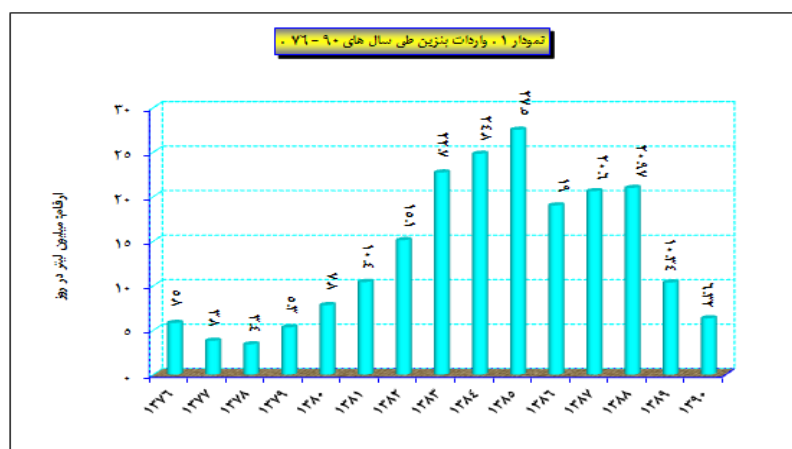
۱. در ایران شدت مصرف انرژی ۰/۵۹ تن معادل نفت خام بر هزار دلار است؛ درحالی‌که این رقم برای مصرف جهان ۰/۲۰ تن معادل نفت خام بر هزار دلار است.

2. Non-Productive.

با وجود اعمال سیاست‌های قیمتی و غیرقیمتی متعدد، از جمله طرح پلکانی قیمت‌گذاری گاز در بخش خانگی، سهمیه‌بندی، تدوین و تصویب معیارها، توسعه حمل و نقل عمومی برای مدیریت مصرف انرژی، همچنان عوامل متعددی در بالا بودن و غیربهبود بودن مصرف انرژی در کشور مؤثر است که می‌توان به ساختار اقتصادی و صنعتی، تغییر الگوی مصرف انرژی نظیر برق‌رسانی و سوخت‌رسانی به بسیاری از روستاها و شهرهای کوچک و وجود صنایع و محصولات انرژی‌بر، و رعایت نکردن استانداردها و معیارهای مصرف سوخت و یا نبود استانداردهای لازم در این رابطه و از همه مهم‌تر قیمت پایین عرضه انرژی اشاره نمود (ترازنامه هیدروکربوری کشور، ۱۳۸۷، ص ۱۱).

اعداد و ارقام (نمودار ش ۱)، میزان واردات بنزین در ایران طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۰ را نشان می‌دهد (نفت و توسعه (۵) مروری بر اهم فعالیت‌های وزارت نفت ۱۳۸۳ - ۱۳۷۶، ۱۳۸۳، ص ۲۹۸). همان‌گونه که اعداد و ارقام مندرج در نمودار نشان می‌دهد، شاهد رشد بالای مصرف در کشور هستیم؛ به طوری که این موضوع حتی بر ارزیابی آژانس بین‌المللی انرژی^۱ از صنعت نفت ایران نیز تأثیرگذار بوده است.

بر اساس گزارش رسمی وزارت نفت ایران، طبق ارزیابی آژانس بین‌المللی انرژی (۱۳۸۲) از صنعت نفت ایران ایران، در حال حاضر میزان مصرف داخلی نفت در ایران ۱/۳ میلیون بشکه در روز است که به دلیل رشد جمعیت و همچنین رشد اقتصادی، به این مقدار سالانه ۷ درصد افزوده می‌شود. این کشور سالانه ۳ میلیارد دلار برای اقلام سوختی یارانه پرداخت می‌کند که همین امر سبب مصرف نادرست و اتلاف بیش از حد سوخت در ایران شده است. همچنین دولت مجبور است هر سال برای تأمین بخشی از مصرف داخلی بنزین بیش از یک میلیارد دلار بنزین از کشورهای خارجی وارد کند، زیرا شرکت ملی نفت قادر به تولید میزان مورد نیاز بنزین برای مصرف داخلی نیست.



منبع. آمارنامه مصرف فرآورده‌های نفتی انرژی‌زا، سال ۱۳۹۰، ص ۶۶.

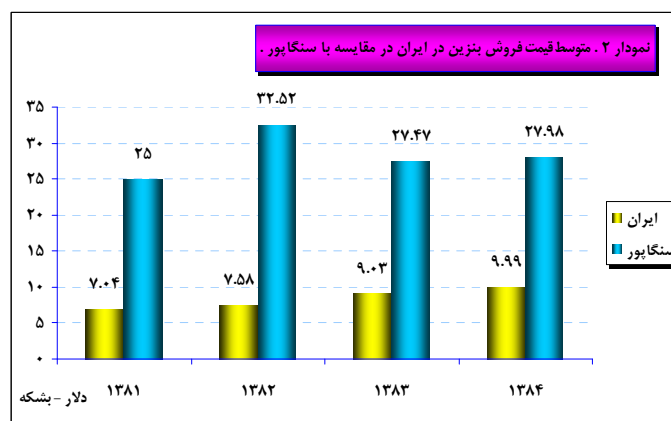
در اوایل ماه آوریل سال ۲۰۰۳، دولت ایران برای جلوگیری از افزایش واردات، مصرف و هزینه‌های یارانه بنزین، قیمت هر گالن بنزین را ۳۰ تا ۳۵ درصد افزایش داد. این افزایش مستمر مصرف بنزین در ایران حتی احتمال جیره‌بندی مصرف بنزین را نیز افزایش داده است (شکوفایی، صنعت نفت، ۱۳۸۴، ص ۶۵).

یکی از دلایل مصرف بالای بنزین با توجه به بهای بالای تمام‌شده آن، یارانه پرداختی دولت بابت این فرآورده بود که به دلیل نبود فرهنگ مصرف، ناوگان حمل و نقل فرسوده، مصرف بالای خودروهای تولید داخل و... باعث شد مصرف در ایران افزایش چشمگیری یابد که می‌توان برای اثبات این مدعا به نمودار شماره ۲ اشاره کرد که متوسط قیمت فروش بنزین در ایران را در مقایسه با بازار مثلاً سنگاپور که معمولاً کم‌ترین قیمت را نسبت به سایر بازارها دارد، نشان می‌دهد (همان، ۲۵۹).

اگر ارزیابی آژانس بین‌المللی انرژی قبل از سهمیه‌بندی بنزین در این مورد که با ادامه روند مصرف بی‌رویه بنزین در ایران احتمال جیره‌بندی وجود خواهد داشت نزد کسی گفته می‌شد، به احتمال زیاد این حرف را بی‌پایه و مضحک می‌پنداشت. ولی رشد شتابان مصرف بنزین (ترازنامه هیدروکربوری کشور، پیشین، ص ۲۶۳) و افزایش هزینه بنزین وارداتی از جمله دلایلی بود که دولت نهم را به اقدام عملی برای کنترل مصرف بی‌رویه بنزین و کاهش یارانه به این بخش واداشت^۱. دو سیاست اصلی «افزایش قیمت بنزین» و «سهمیه‌بندی» پیش روی دولتمردان بود

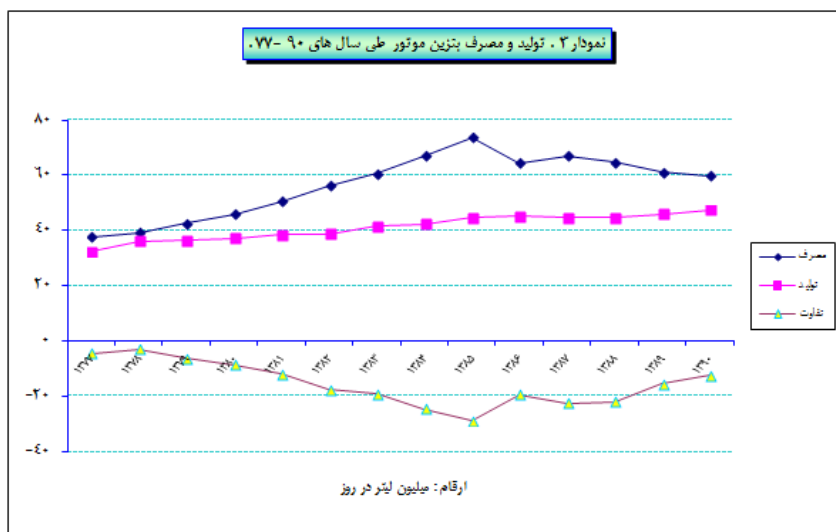
۱. مطابق بند (و) تبصره ۱۳ قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور، دولت موظف گردید حداکثر از آغاز خرداد ۱۳۸۶، بنزین تولید داخل و بنزین وارداتی را تا سقف یارانه معادل ارزی ۲۲۲۵۰ میلیارد ریال به‌صورت سهمیه‌بندی با اولویت استفاده از کارت هوشمند به قیمت هر لیتر ۱۰۰۰ ریال عرضه نماید.

که سرانجام دولت و مجلس راهبرد سهمیه‌بندی با قیمت ترجیحی ۴۰۰ تومانی برای مصارف بیش از سهمیه را که در واقع همان راهبرد «قیمتی - مقداری» بود، به عنوان مسیر اصلی کاهش یارانه‌ها و کنترل بی‌رویه مصرف بنزین برگزیدند.



منبع. شکوفایی صنعت نفت، ص ۲۵۹.

قبل از سهمیه‌بندی، مصرف بنزین روزانه معادل ۷۵ میلیون لیتر بود که برآورد می‌شد طی مدت سه سال با حفظ شرایط قبل از سهمیه‌بندی به ۱۰۰ میلیون لیتر در روز برسد. در حالی که با اجرای سهمیه‌بندی در سال اول به کم‌تر از ۶۰ میلیون لیتر در روز کاهش یافت و در طی ۳ سال گذشته با وجود افزایش حدود ۵/۲ میلیون خودرو، مصرف روزانه بنزین به ۶۲ میلیون لیتر در سال ۱۳۸۹ رسید (ضرورت تداوم راهبرد «قیمتی - مقداری» در هدفمند کردن یارانه بنزین در جدول ۱ متوسط مصرف روزانه بنزین موتور در دوران سهمیه‌بندی و مقایسه آن با قبل از سهمیه‌بندی را می‌توان مشاهده نمود (ترازنامه هیدروکربوری کشور، پیشین، ص ۲۵۹). البته باید توجه داشت که این روند نیز باعث کاهش چشمگیری در مصرف فرآورده‌های نفتی نشد و سرانجام دولت با اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها قیمت این فرآورده‌ها را به قیمت‌های جهانی کمی نزدیک‌تر کرد.



منبع: آمارنامه مصرف فرآورده های نفتی انرژی زا، سال های ۱۳۹۰ - ۱۳۷۷.

واحد: میلیون لیتر در روز

جدول ۱. متوسط مصرف روزانه بنزین موتور در دوران سهمیه بندی و مقایسه آن با قبل از سهمیه بندی.					
سال	۱۳۸۵	۱۳۸۶	پیش بینی مصرف در سال ۱۳۸۶	درصد تغییر ۱۳۸۵ به ۱۳۸۶	درصد تغییر به میزان پیش بینی شده
تبر	۷۵.۵۵	۵۹.۷۹	۸۳.۱۱	- ۲۰.۸۶	- ۲۸.۰۵
مرداد	۷۷.۵۲	۶۱.۵۵	۸۵.۲۷	- ۲۰.۶۰	- ۲۷.۸۲
شهریور	۸۰.۳۹	۶۰.۰۶	۸۸.۴۳	- ۲۵.۲۹	- ۳۲.۰۸
مهر	۷۰.۸۰	۵۶.۸۲	۷۷.۸۸	- ۱۹.۷۴	- ۲۷.۰۳
آبان	۷۴.۰۸	۵۸.۶۴	۸۱.۴۸	- ۲۰.۸۴	- ۲۸.۰۴
آذر	۷۲.۴۰	۵۷.۴۴	۷۹.۶۴	- ۲۰.۶۶	- ۲۷.۸۷
دی	۷۰.۳۷	۵۷.۶۰	۷۷.۴۱	- ۱۸.۱۴	- ۲۵.۵۸
بهمن	۷۱.۳۵	۵۹.۷۹	۷۸.۴۹	- ۱۶.۲۰	- ۲۳.۸۲
اسفند	۷۷.۲۷	۶۶.۷۸	۸۴.۹۹	- ۱۳.۵۷	- ۲۱.۴۲

منبع: ترازنامه هیدروکربوری کشور، پیشین، ص ۲۵۹

۲. نفت و یارانه

نوسان قیمت ها و نبود توازن بین رشد آن ها و سایر عوامل، و در نتیجه کاهش درآمد واقعی می تواند یکی از مشکلات اقتصادی و حتی سیاسی جامعه باشد. روشن است که مصرف کنندگان به ویژه دارندگان درآمد ثابت می توانند وضع خود را با تغییر مداوم قیمت ها،

مخصوصاً در مورد کالاها و خدمات اساسی مورد نیاز، دائماً تطبیق دهند. آن‌ها از لحاظ روانی نیز چون در عمل کم‌تر با کاهش قیمت‌ها مواجه می‌شوند، افزایش قیمت‌ها را محسوس می‌پندارند؛ لذا با درنظر گرفتن آسایش و رفاه روانی مصرف‌کننده، در صورتی که مداخله دولت به کاهش نوسان قیمت‌ها بیانجامد - به‌ویژه هنگامی که با تثبیت قدرت خرید مصرف‌کننده توأم شود - قدمی در راه رفاه او برداشته شده است. از طرف دیگر تغییر هزینه‌های تولید در بازارهای داخلی و خارجی نیز گاه چنان شدید است که ضرورت دخالت دولت را آشکار می‌سازد. در عین حال از دیدگاه فعالیت اجتماعی، تأمین حداقل خواسته‌ها با توجه به روند روزافزون جمعیت و تقاضای روبه‌رشد تک‌تک افراد مستلزم تلاشی همه‌جانبه است؛ بحث سوبسید نیز در این عرصه از مباحث اقتصادی مهم است (روانیخس، ۱۳۷۰، ۸۳).

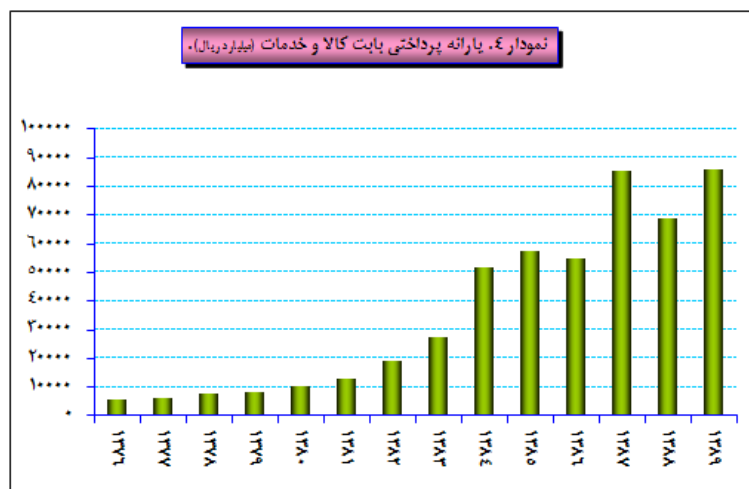
متأسفانه در پرداخت یارانه‌ها، تنها شرایط کنونی درنظر گرفته می‌شود و این کار به‌دور از آینده‌نگری است. برجسته‌ترین هدف دولت از پرداخت یارانه‌ها، جلب رضایت شهروندان است. تخصیص بیش از ۹۰ درصد یارانه‌ها به بخش‌های مصرفی و سهم بسیار ناچیزی از آن به بخش‌های تولیدی، گواهی است بر این گفته. نکته دیگر، کاهش مستمر یارانه‌ها به بخش‌های تولیدی است. درنظر گرفتن ۴۱۷۰ میلیارد ریال برای جبران زیان‌های وارد به شرکت‌های دولتی در سال ۸۵ و رشد ۷۰ درصدی این رقم در سال ۸۶ به ۵۹۰۲ میلیارد ریال از دیگر نشانه‌های کارکرد ضدتوسعه تخصیص منابع به بخش‌های زیان‌آور است (قالیباف و سلطانی خلیفانی، ۱۳۸۸، صص ۱۹۰ - ۱۸۹).

به‌نظر می‌رسد که دولت گذشته از اداره کردن جامعه، به‌دنبال بهره‌برداری‌های ویژه از تمامی این هزینه‌ها بوده است؛ رویکردی که گاهی به هدررفت منابع انجامیده است. نمی‌توان از نیروی عظیم انسانی وابسته به دولت انتظار داشت که هزینه‌های خود دولت را کنترل کنند، زیرا آن‌ها در پی درآمد آسان خود از نفت هستند (همان، ص ۱۹۰).

بخش دوم. حمایت‌ها

۱. دولت و رفاه اجتماعی

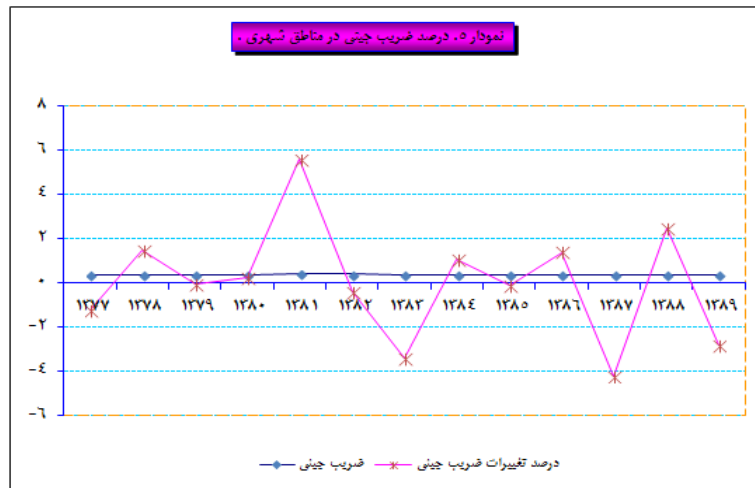
طرف‌داران توسعه نفت محور معتقدند کشورهایی که آن‌قدر خوش‌شانس بوده‌اند که طلای سیاه داشته باشند، می‌توانند راه پیشرفت و توسعه خود را بر اساس این منبع طبیعی ارزشمند استوار سازند. آنان به منافع بالقوه‌ای از جمله افزایش رشد اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی، افزایش درآمد دولت به منظور تخفیف فقر مالی، انتقال تکنولوژی، بهبود زیرساخت‌ها و در نهایت تشویق صنایع مربوطه برای رشد و توسعه اشاره می‌کنند.



منبع. گزارش اقتصادی و ترازنامه، سال‌های ۱۳۸۹ - ۱۳۷۶.

ولی تجربه بسیاری از کشورهای صادرکننده نفت نشان می‌دهد تنها تعداد بسیار کمی از فواید ذکر شده برای این کشورها وجود داشته و برخلاف این تصورات، نتایج توسعه با محوریت مواد نفتی نه تنها سازنده نبوده، بلکه غالباً دستاوردهای منفی به همراه داشته است که از آن جمله می‌توان به رشد کندتر از حد انتظار، محدودیت‌هایی بر سر راه تنوع اقتصادی، عملکرد ضعیف سیستم رفاه اجتماعی، سطوح بالای فقر، فاصله طبقاتی^۱ و بیکاری اشاره کرد (Karl, 2004, 661 - 662).

درآمدها و هزینه‌های دولت بر روند کاهش یا افزایش فقر اثر مستقیم و غیرمستقیم می‌گذارد. پرداخت یارانه‌ها از مهم‌ترین سیاست‌های دولت است که در کشور ما به بخش مصرف (کالاهای اساسی) و بخش تولید تعلق می‌گیرد و هر سال سهم چشمگیری از بودجه به آن اختصاص می‌یابد. با این حال پاره‌ای از کارشناسان بر این باورند که در ایران پرداخت یارانه‌ها نه تنها باعث کاهش فقر و محرومیت نشده، بلکه به گستردگی آن نیز دامن زده است. در میان کالاهای یارانه‌ای می‌توان به روغن، قند و شکر اشاره کرد. آمارها نشان می‌دهد که سرانه مصرف روغن، قند و شکر در کشور بالاتر از سرانه بهداشتی این اقلام است و به کمک پرداخت یارانه، آمار بیماران قلبی و عروقی نیز روزبه‌روز افزایش یافته است.



منبع. گزارش اقتصادی و ترازنامه سال‌های ۱۳۷۷ - ۱۳۸۹.

یارانه بنزین نیز تاکنون جز مصرف افسارگسیخته آن، آلودگی هوا، تخریب محیط زیست، افزایش بیماری‌های تنفسی و... نتیجه دیگری نداشته است. چنانکه گفته شد، در ایران به تولید نیز یارانه تعلق می‌گیرد. صنایع کشور نیز به گونه‌ای، از انرژی ارزان گرفته تا مواد اولیه، یارانه می‌گیرند. برخی از کارشناسان معتقدند که یکی از کلیدی‌ترین عوامل توسعه نیافتگی کشور پرداخت یارانه از درآمد حاصل از فروش سرمایه ملی در بخش تولید و مصرف است. سیاست‌های اقتصادی کشور بر پایه بهای نفت خام شکل می‌گیرد. نوسان بها و تخصیص نیافتن درست بودجه نیز تاکنون شکاف میان تهیدستان و توانگران را ژرف‌تر کرده است (بیژنی، ۱۳۸۶، صص ۱۶۷ - ۱۶۶).

طی دوره ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ دولت مدعی بود که شاخص رفاه اجتماعی به دلیل افزایش درآمد سرانه و ثبات نسبی توزیع کلی درآمد، همواره روبه بهبود بوده است. این شاخص طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰ به‌طور متوسط سالانه هفت درصد بهبود یافته و میزان کل یارانه نیز از رشد ۱۴ درصدی در سال ۱۳۸۰ برخوردار بوده است. در این خصوص دکتر مهدی تقوی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی، معتقد است کاهش فقر و مشکلات اجتماعی آن نیازمند افزایش قابل ملاحظه و مستمر درآمد سرانه و عادلانه‌تر کردن توزیع درآمد است. با وجود اذعان دولت در مورد بهبود شاخص رفاه اجتماعی، مردم چنین احساسی ندارند. رشد ۱۴ درصدی یارانه‌ها با توجه به نرخ تورم در همین حدود یا بیشتر از آن، نمی‌تواند باعث بهبود شاخص رفاه اجتماعی شود (تحولات اقتصادی ایران در سال ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، صص ۵۵).

در این خصوص می‌توان از کاهش تورم در سال ۱۳۷۹ بهره برد و به این نتیجه رسید که افزایش نرخ نقدینگی به میزان ۲۹/۳ درصد به سود دهک‌های بالای درآمدی بوده است؛ یعنی تهیدستان فقیرتر و ثروتمندان غنی‌تر شده‌اند. به عبارتی تقاضای مؤثر از طرف دهک (Decile) های با درآمد پایین‌تر و نزدیک به خط فقر، به نحوی تقلیل یافته که موجب کاهش سطح عمومی قیمت‌ها و کاهش نرخ تورم^۱ شده است، زیرا گروه اخیر اکثریت قابل توجهی از جامعه را تشکیل می‌دهند که با تقلیل تقاضای مؤثر از طرف آن‌ها (به علت کسر درآمد) سطح عمومی قیمت‌ها نیز سیر نزولی می‌یابد. نگاهی به شاخص بهای گروه خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات و اثاث و کالاها و خدمات مورد استفاده در خانه و حمل و نقل و ارتباطات و نیز تفریح و تحصیل و مطالعه در سال‌های ۷۹ و ۱۳۷۸ هم نشان می‌دهد که این شاخص‌ها در سال ۷۹ با افت قابل توجهی همراه بوده است، که می‌تواند درستی نظریه بالا را قوت بخشد (یک پرسش درباره نرخ تورم در سال ۱۳۷۹: چه پارامترهایی موجب کاهش نرخ تورم شده‌اند؟، ۱۳۸۰، ص ۱۷).

در وضعیت کنونی، مردم و نسل‌ها به صورت کلی دچار فقر ثروتی و درآمدی شده‌اند. فقر درآمدی، کافی نبودن درآمدها برای پوشش هزینه‌های زندگی شرافتمندانه با معیارها و ضوابطی است که ما آن را عرفاً می‌پذیریم. منظور از فقر ثروتی نیز نداشتن یک لایه پوششی و امنیتی است که خانوار بداند می‌تواند دست‌کم برای یک نسل با رفاه کامل و با منطق، برنامه‌ریزی کند (حقیقی، ۱۳۸۵، صص ۱۵۵ - ۱۵۴).

۲. شفاف‌سازی

از جمله عوامل مهمی که روند تحولات اجتماعی را سرعت می‌بخشد و فضا را برای استیفای حقوق فردی و اجتماعی افراد فراهم می‌سازد، و در نتیجه زمینه را برای دستیابی به عدالت

۱. البته روش محاسبه نرخ تورم از سوی بانک مرکزی در موارد زیر قابل تامل است:

۱. آمارگیری بانک مرکزی تنها بخشی از جامعه شهری را شامل شده، به جوامع روستایی توجهی ندارد.
۲. عملاً در برخی از ماه‌ها کالاهای کم‌اهمیت و فصلی و یا میوه‌های نوبرانه به لحاظ تغییرات زیاد قیمت در محاسبه نرخ تورم تأثیر قابل توجهی می‌گذارند؛ برای مثال قیمت لیموترش در سه ماهه اول سال ۱۳۸۷ به ترتیب (۶/۷)، (۷/۲) و (۷/۷) درصد بر شاخص کل تأثیر داشته است.
۳. برخی کالاها مانند مبل دارای استاندارد مشخصی نیستند و همواره دارای تغییرات شکلی، کیفیتی و قیمتی می‌باشند؛ بنابراین آمارگیران بانک مرکزی مجبور به مشابه‌سازی مبلی می‌شوند که در ماه‌های قبل قیمت‌گیری کرده‌اند.
۴. در برخی موارد قیمت‌گیری‌های انجام‌شده از سوی بانک مرکزی در دوره‌های ۳ ماهه و ۶ ماهه است؛ برای نمونه هزینه ثبت نام مدارس غیرانتفاعی، قیمت مبل و هزینه کفن و دفن ... در عمل قیمت‌های موردنظر در یک دوره بدون تغییر در محاسبات شاخص قیمتی لحاظ شده، باعث غیرواقعی جلوه‌دادن شاخص کل می‌گردد.
۵. برخی کالاها در مقاطع خاص تنها در چند شهر و به مقدار محدود و با قیمت بالا عرضه می‌شود. برای مثال می‌توان به قیمت انار در ماه‌های آغازین سال اشاره نمود.
۶. ضرایب اهمیت برخی از اقلام با زندگی روزمره مردم مفهوم عینی ندارد.

اجتماعی^۱ میسر می‌کند، پاسخ‌گویی دولت و پرسش‌گری ملت نسبت به خواسته‌های مشروع آنان است (اصغری، ۱۳۸۳، ص ۳۱۳).

پاسخ‌گویی سبب «شفاف‌سازی» و در نتیجه ایجاد فضای اعتماد و اطمینان بین مردم و مسئولان نظام خواهد شد و نیز جلوی بسیاری از اعمال نفوذهای و فشارها را خواهد گرفت. در واقع از طریق شفاف‌سازی می‌توان از بسیاری رانت‌های اقتصادی - اجتماعی پیشگیری کرد، زیرا بی‌گمان دستیابی زود هنگام و انحصاری به برخی از سیاست‌های اتخاذ شده در زمینه مسائل اقتصادی از جمله سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و... می‌تواند منشأ رانت اقتصادی گردد (همان، ۳۲۱).

با توسعه سرمایه اجتماعی، یکی از عناصر منفی مهم بر سر راه پیشرفت کشور از میان می‌رود؛ زیرا هنگامی که شهروندان باور کنند که دگرگونی‌های مثبت و سازنده آغاز شده است، با پویایی بیشتری در فرایند توسعه مشارکت خواهند کرد. پایبندی دولت به سند چشم‌انداز، می‌تواند باور شهروندان نسبت به درستی و پایداری سیاست‌های دولت را تقویت کند. رشد سرمایه اجتماعی در فعالیتهای شهروندان اثری ژرف خواهد داشت.

برای ایجاد و حفظ چنین باور مثبتی در میان شهروندان، اعلام اولویت‌های زمان‌بندی شده در راستای اصلاحات ساختاری و پایبندی به اجرای راهکارهای پیشنهادی در سند چشم‌انداز ضرورت دارد. با توجه به تغییر دولت‌ها در آینده، لازم است انضباط در اجرای برنامه‌ها حفظ شود و بسته به سلیقه و گرایش دولت‌های گوناگون، اعتبار سند چشم‌انداز مخدوش نگردد (کریمی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۱).

یکی از این عوامل مخدوش‌کننده افزایش یا کاهش درآمد حاصله از فروش نفت این است که هرگاه درآمد دولت‌ها از محل نفت افزایش یافته، بی‌اعتنایی نسبی هیئت حاکمه به جامعه و مردم نیز بیشتر شده است؛ برعکس هرگاه ارزش حاصله از فروش نفت کمتر شده، بحران مالی سبب نیاز دولت‌ها به جامعه و در نتیجه روی آوردن هیئت حاکمه به مردم گشته است. در این شرایط، دولت سعی دارد با طرح شعارهایی توجه مردم را به خود جلب کند (موسوی، ۱۳۸۴، ص ۲۰۳).

در کشورهای روبه توسعه، فرایند تشکیل نیاز با مراحل گوناگون توسعه همراه است و بدین‌سان خواسته‌ها و انتظارات تازه‌ای پدید می‌آید که آگاهی دولت از آن‌ها ضرورت دارد. از

1. Social Justice.

۲. از آنجاکه دولت رانتیر به‌طور مستقیم از محل فروش نفت منابع مالی لازم را برای اعمال سیاست‌های خود به‌دست می‌آورد و مهم‌تر از آن به‌عنوان ابزاری برای ابتیاع و حفظ مشروعیت از آن بهره می‌برد، این موضوع باعث استقلال یا جدایی دولت از مردم می‌شود (Nirumand, 1969, 56).

بعد دیگری نیز می‌توان به اهمیت مطالعات مربوط به انتظارات شهروندان از دولت پی‌برد و آن اثر رضایتمندی شهروندان در ثبات سیاسی کشور است. بی‌گمان مسائل و مشکلات نه‌تنها خود به‌گونه مستقیم موجب بی‌ثباتی در جامعه می‌شود، بلکه ریشه و سرچشمه بسیاری از مسائل و مشکلات را باید در بی‌توجهی دولت به خواسته‌ها و ناتوانی آن در برآورده‌ساختن انتظارات و نیازهای شهروندان جستجو کرد. اگر به خواسته‌های شهروندان توجه نشود، نباید انتظار داشت که جز به کارهایی که منافع فردی‌شان ایجاب می‌کند، بیندیشند و بپردازند. پیامدهای سنگین نادیده‌انگاشته‌شدن انتظارات و خواسته‌های شهروندان عبارت‌اند از:

– افزایش فاصله و شکاف میان دولت و شهروندان؛

– کاهش ثبات و مشروعیت دولت؛

– مسئولیت‌ناپذیری شهروندان؛

– رشد خودخواهی و بی‌توجهی به مصالح و منافع ملی؛

– گسترش کاربرد زور و خشونت و افزایش تنش در جامعه (نادمی، ۱۳۸۴، ص ۱۷).

هنگامی که آقای خاتمی در خرداد سال ۱۳۷۶ قدرت را به‌دست گرفت، به دلیل نامساعد بودن شرایط بین‌المللی و شکاف طبقاتی و بی‌اعتمادی مردم در داخل، فضا برای عملکرد اصلاح‌طلبان مناسب شد. اما تلاش‌های آقای خاتمی و اصلاح‌طلبان در سال‌های حضورشان در قدرت به دلیل ساختار اقتصادی بیمار به نقطه موردانتظار نرسید و باعث شد از دل اصلاحات، دولتی سر بیرون آورد که مبارزه با فقر و فساد را برتر از جامعه مدنی می‌دانست. حقیقت این است که دولت اصلاحات از بعد اقتصادی حرفی بیش از دولت سازندگی نداشت، زیرا در طول این سال‌ها مشکلات و دغدغه‌های فکری مردم مانند تبعیض، رانت‌خواری، شکاف طبقاتی، خویشاوندسالاری، بیکاری و فساد اداری از بین نرفت.

هدف آقای خاتمی تأکید بر توسعه سیاسی بود؛ روندی که تمام توانش معطوف به جناح رقیب بود و امکان رویارویی برابر با آن‌ها را از او می‌گرفت. به این دلیل توان بالقوه اصلاحات، صرف مبارزه با مخالفان و درگیری‌های فرسایشی شد و دولت نتوانست موفقیت‌چندانی در عرصه اقتصاد به‌دست آورد. در خلال این سال‌ها، گفتمان لیبرال دموکراسی بدون توجه به متن جامعه و حاشیه‌نشینی^۱، پروژه توسعه سیاسی را دنبال کرد؛ غافل از اینکه روزه‌روز بیکاری فزون‌تر و ناامیدی بیشتر در سطح جامعه پراکنده می‌شد (ابوالحسنی، ۱۳۸۴، ص ۴).

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یافته‌هایی پژوهشی را باعنوان «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» در زمستان ۱۳۸۲ ش منتشر کرد، که نشان‌دهنده نارضایتی مردم از وضع موجود در زمینه‌های رفاهی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی بود (همان، ۴). در نتیجه نسل جدید

اصول‌گرایان که توجه خود را معطوف قشر پایین جامعه کرده بود، در رقابت انتخاباتی پیروز شد (اثنی‌عشری، ۱۳۸۶، صص ۸۶ - ۸۵).

در دوران آقای احمدی‌نژاد نیز این رویه تأثیرگذاری نفت بر جامعه و اقتصاد، باعث آثار و پیامدهای بسیار متفاوتی شد که از آن جمله می‌توان به نامه ۶۰ تن از اقتصاددانان کشور در آبان ۱۳۸۷ اشاره کرد که به شدت از سیاست‌های اقتصادی آقای احمدی‌نژاد انتقاد کرده، از تحمیل هزینه‌های مالی و اقتصادی به دولت به دلیل «سیاست تهاجمی» در موضع‌گیری‌های خارجی ایراد گرفتند. در ادامه این نامه به ایشان در مورد پیامدهای بحران جهانی پیش رو نیز هشدار داده شده بود. این مسئله با شروع بحران بیشتر نمایان شد و سیاست‌های منفی اتخاذشده در مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری این دوره به‌صراحت جلوه‌گر شد (Beck, 2009, 20) و ما شاهد یکی از پرشورترین انتخابات بر گزار شده پس از انقلاب بودیم.

۳. تغییر ارزش‌ها

از سوی دیگر اولین درس‌های اقتصاد کلان این اتحاد را به ما می‌آموزد: $y = c + s$ که درآمد ملی (y) همیشه برابر است با مجموع پس‌انداز (s) و مصرف (c)؛ به طوری که بین اجزای درآمد ملی یک نوع رابطه جایگزینی وجود دارد، یعنی افزایش یکی موجب کاهش دیگری خواهد شد. به این معنی که اگر ما خواهان افزایش سرمایه‌گذاری و افزایش تولید هستیم، به‌ناچار باید سهم کم‌تری از درآمد ملی را مصرف کرده، نرخ پس‌انداز را افزایش دهیم. الگوی مصرف جامعه ما در این رابطه از دو جهت قابل تأمل است؛ نخست آنکه سهم مصرف از درآمد ملی بالاست و آمار موجود حاکی از آن است که خانوارها و دولت حدود ۸۰ درصد از درآمد ملی را در دهه هفتاد مصرف کرده‌اند.

افزون‌براین، تحول دیگری که ضرورت آن به‌چشم می‌خورد، تغییر ذائقه مردم از کالاهای داخلی به سمت کالاهای خارجی است. در وضعیت فعلی با اینکه کشور در بسیاری از زمینه‌های تولید داخلی قادر به تأمین نیازهای جامعه می‌باشد، مصرف‌کنندگان ترجیح می‌دهند از کالاهای مشابه خارجی استفاده کنند که این گرایش را می‌توان ناشی از باورهای فرهنگی شکل گرفته در طی سال‌های متمادی و نیز کیفیت غیراستاندارد تولیدات داخلی (در اغلب موارد) دانست (سلیمی‌فر، ۱۳۸۰، صص ۱۷۹ - ۱۷۷).

در سال‌های اخیر با کاهش سهم تولیدات داخلی، بازارهای کالا و خدمات آکنده از تولیدات خارجی گوناگون شده است. به سخن دیگر، در برابر افزایش تقاضا، نه تنها تولید داخلی افزایش نیافته، بلکه با واردات هرچه بیشتر به نیاز متقاضیان پاسخ مثبت داده شده است.

در واقع به کمک بالارفتن بهای نفت و افزایش درآمدهای ناشی از فروش آن، می‌توان بازار داخلی را از کالاهای گوناگون وارداتی انباشت (بیژنی، پیشین، ص ۱۶۹).

نتیجه

آن‌گونه که در مقاله نشان داده شد، آثار سوء درآمدهای نفتی بر ساختار قدرت به‌خصوص ساختار اجتماعی را می‌توان در کشاکش نوسانات بهای نفت به روشنی مشاهده کرد. جامعه به‌عنوان عنصر تأثیرپذیر از دولت و اقدامات آن همواره در روند تغییر سیاست‌های دولت دچار تغییر و دگرگونی بوده است. این روند بعد از انقلاب و روی کار آمدن دولت‌های گوناگون ادامه یافته، تا حال حاضر نیز جریان دارد.

از جمله این تغییرات، بحث مصرف‌گرایی است که متأسفانه به کمک درآمدهای نفتی همواره تشدید شده است و دولت‌ها نیز برای کسب مشروعیت به آن دامن زده‌اند. روندی که با پرداخت حجم عظیمی از یارانه‌ها شدت گرفت و سرانجام به اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها انجامید. لذا نباید از حجم عظیم یارانه‌های پرداختی طی سال‌های متمادی غافل شد، چراکه با نیم‌نگاهی به این روند می‌توان به روشنی رشد بی‌رویه مصرف‌گرایی را در بین جامعه مشاهده کرد.

از آثار بالارفتن بهای نفت می‌توان به تغییر ارزش‌های جامعه و رشد مادی‌گرایی در بین مردم اشاره نمود؛ روندی که به‌گونه‌ای نسبی با افزایش مصرف کالاهای لوکس و خارجی در بین مردم و به‌خصوص قشر ثروتمند جامعه قابل مشاهده است. آنچه تاکنون گفته شد، مربوط به عکس‌العمل جامعه بود. اما در پایان در خصوص دولت باید به این نکته اشاره کرد که هرچه دولت‌ها به جای وابستگی به درآمدهای حاصل از جامعه و اقتصاد غیرنفتی، به درآمدهای ناشی از منابع طبیعی وابسته‌تر شوند، احتمالاً به همان میزان فاصله بین آن‌ها و جامعه نیز بیشتر خواهد شد؛ روندی که به‌هیچ‌عنوان مطلوب نخواهد بود.

منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

- ۱- ابوالحسنی، سید رحیم (۱۳۸۴)، «نگرش و گرایش سیاسی مردم (اصلاح طلبی یا محافظه کاری)»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۹، پاییز.
- ۲- اثنی‌عشری، شهراد (۱۳۸۶)، از دولت اصلاحی تا دولت اسلامی، تهران: انتشارات عطائی.
- ۳- اصغری، محمود (۱۳۸۳)، «نقش پاسخ‌گویی و تأثیر آن در عدالت اجتماعی»، اندیشه حوزه، سال دهم، شماره سوم و چهارم ۴۹ و ۵۰، آذر - اسفند.
- ۴- آریانپور کاشانی، عباس (۱۳۶۳)، فرهنگ کامل انگلیسی به فارسی، سه جلدی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ۵- آقابخشی، علی‌اکبر و مینو افشاری‌راد (۱۳۸۳)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار.

- ۶- آمارنامه مصرف فرآورده‌های نفتی انرژی‌زا، (۱۳۹۰ - ۱۳۷۷)، تهران، شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران.
- ۷- بیژنی، مریم (۱۳۸۶)، «اهداف توسعه هزاره سوم و چالش‌های پیش روی در ایران»، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۴۰ و ۲۳۹، مرداد و شهریور.
- ۸- پژوهان، جمشید و دیگران (۱۳۸۰)، «جایگزینی یارانه نقدی برابر به جای یارانه کالایی»، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۷۰ - ۱۶۹، مهر و آبان.
- ۹- تحولات اقتصادی ایران در سال ۱۳۸۱ (۱۳۸۲)، مجله بانک و اقتصاد، شماره ۳۴، فروردین و اردیبهشت.
- ۱۰- ترازنامه هیدروکربوری کشور (۱۳۸۷)، تهران، موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
- ۱۱- حقیقی، ایمان (۱۳۸۵)، «تحلیلی بر طرح واگذاری سهام عدالت ۱»، مجله راهبرد یاس، شماره ۶، تابستان.
- ۱۲- روانبخش، مقتدالانام (۱۳۷۰)، «سویسد و پیشینه آن در ایران مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی»، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۴۶ - ۴۵، خرداد و تیر.
- ۱۳- سالنامه آماری کشور (۱۳۷۶)، مرکز آمار ایران.
- ۱۴- سلیمی فر، مصطفی (۱۳۸۰)، «کنکاشی در آسیب شناسی توسعه‌نیافتگی اقتصادی ایران»، مجله اندیشه حوزه، سال هفتم، شماره دوم، مهر و آبان.
- ۱۵- شکوفایی صنعت نفت (۱۳۸۴)، تهران، مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران.
- ۱۶- صدری افشار، غلامحسین (۱۳۸۸)، فرهنگ‌نامه فارسی واژگان و اعلام، سه جلدی، تهران، فرهنگ معاصر.
- ۱۷- ضرورت تداوم راهبرد «قیمتی - مقداری» در هدفمند کردن یارانه بنزین، (۱۳۸۹)، <http://www.itan.ir/?Mode=print&ID=1826>.
- ۱۸- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۸۵)، «رانت‌جویی سیاسی و پیامدهای آن»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، سال سوم، شماره ۳، زمستان.
- ۱۹- عباسی‌نژاد، حسین (۱۳۸۵)، «تحلیل اثر افزایش قیمت فرآورده‌های نفتی بر بخش‌های اقتصادی با استفاده از جدول داده- ستانده»، مجله پژوهش‌نامه بازرگانی، شماره ۳۸، بهار.
- ۲۰- عمید، حسن (۱۳۴۲)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر.
- ۲۱- قالیباف، محمداقبر و ناصر سلطانی خلیفانی (۱۳۸۸)، «نفت و ساخت قدرت سیاسی در ایران»، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۵۰ - ۲۴۹، فروردین و اردیبهشت.
- ۲۲- کریمی، زهرا (۱۳۸۶)، «پایبندی به اهداف سند چشم‌انداز»، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۴۰ و ۲۳۹، مرداد و شهریور.
- ۲۳- گزارش اقتصادی و ترازنامه، (۱۳۸۹ - ۱۳۷۷)، تهران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- ۲۴- معین، محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ کامل فارسی معین، تهران، فردوس.
- ۲۵- موسوی، میرطیب (۱۳۸۴)، مسائل سیاسی اقتصادی جهانی نفت، تهران، مردم سالاری.
- ۲۶- نادمی، داوود (۱۳۸۴)، «انتظارات و خواسته‌های شهروندان از دولت آقای خاتمی»، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۱۴ و ۲۱۳، خرداد و تیر.
- ۲۷- نفت و توسعه (۵) مروری بر اهم فعالیت‌های وزارت نفت ۱۳۸۳ - ۱۳۷۶، (۱۳۸۳)، تهران، اداره کل روابط عمومی وزارت نفت.
- ۲۸- «یک پرسش درباره نرخ تورم در سال ۱۳۷۹: چه پارامترهایی موجب کاهش نرخ تورم شده‌اند؟» (۱۳۸۰)، مجله نامه اتاق بازرگانی، شماره ۶، شهریور.

ب. خارجی:

- 1- Beck, Martin (2009), "Oil-rent Boom in Iran?" October, Available at: < http://repec.giga-hamburg.de/pdf/giga_09_wp111_beck.pdf >.

- 2- Karl, Terry L. (2004), **Oil-Led Development: Social Political, and Economic Consequences**, California: Stanford University.
- 3- Nirumand, Bahman (1969), "**The New Imperialism in Action**", New York: Monthly Review Press.
- 4- **Oxford, Advanced Learner's Dictionary of Current English**, (1998), Oxford University.
- 5- Waltz, Kenneth, "**Theory of International Politics**", Reading, Mss: Addison- Wesley.
- 6- Yergin, Daniel (1991), "**The Prize The Epic Qust For Oil ,Money and Power**", New York: Simon & Schuster.